

بهرام عباسی

چه خوش به سامان است

روی دریا را نور تابانده اند  
در تبسم دریای شور شور  
ماهی ها چه شیرین کام جلوه می کنند  
.....

روی صدف ها قدم می زنم  
از دریا بیرون رانده شده اند  
سخت بوده اند چقدر

.....  
روی خزه ها می نشینم  
سمت گیری نمی کنند  
با کشاکش مداوم دریا رشد می کنند  
.....

روی به خودم می کنم  
گمگشته عنان نبوده ای

همه چیز بی سکانی

زمستان ۸۵

چه خوش به سامان است